

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهزاد مالکی

۱۶ اپریل ۲۰۱۶

ترکیه در چنبره تضادهای سرمایه داری و اسلامگرایی

۳

داعش حلقه جدیدی در ستراتیژی منطقه نی ترکیه

غرب و ترکیه با سرمایه گذاری روی مخالفان اسد که در شورای ملی سوریه CNS جمع شده بودند، انتظار داشتند که به دست کادرهای جهادی این شورا، کار اسد را سریعاً یکسره کنند. نخستین کسانی که این تضاد را «به طور زودرس» نظامی کردند، عبارت بودند از رژیم بشار و بخشی از اخوان المسلمین سوریه که در زمان حافظ اسد نیز به عملیات مسلحانه به ضد او دست زدند و به شدت سرکوب شدند. ترکیه، عربستان، اردن، انگلستان، فرانسه و امریکا بعداً آشکارا وارد معرکه شدند. البته سازمان های اطلاعاتی آنها از آغاز اعتراضات علیه بشار، در صحنه بودند. با تشکیل ارتش آزاد سوریه و استقرار رهبری یا بخشی از رهبری آن در ترکیه و درگیری های مستقیم ترکیه با ارتش بشار، دخالت ترکیه حالت مستقیم تر و فعال تری به خود گرفت و کمک های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی امریکا، فرانسه، انگلیس، عربستان و اردن به این ارتش و نیز به سازمان های مسلح اسلامی مانند النصره و غیره افزایش یافت. در ضمن باید توجه داشت که شمار نسبتاً زیادی سازمان های مسلح کوچک و بعضاً مستقل نیز به شکل گروه های دفاع از خود تشکیل شد. اما با رشد حجم و فعالیت های ارتش آزاد و به ویژه گسترش فعالیت های النصره و بعداً داعش و سازمان های مسلح اسلامی دیگر مانند جیش الاسلام، احرار الشام و غیره، سازمان های کوچک مسلح یا از میان رفتند و یا در جریان های مسلح بزرگ جذب و هضم شدند. باید توجه داشت که سازمان های مسلح کوچک که بعضاً در آغاز گروه های دفاع از خود یا دفاع از تظاهرات بودند به لحاظ مالی و تسلیحاتی و تدارکاتی و حتی جیره غذایی به سازمان های بزرگ مسلح (در آغاز ارتش آزاد ترکیه و بعداً به ویژه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام، داعش و غیره) وابسته شدند. همچنین نقش ایران و روسیه در تشدید درگیری ها را نباید نادیده گرفت.

برهان غلیون و ژرژ سبرا از جمله رهبران اولیه CNS، ادعا می کردند که تمام کسانی که علیه اسد می جنگند، از جمله النصره انقلابی هستند. اینها که در ترکیه و عربستان و قطر رحل اقامت افکنده بودند، منتظر بودند که جهادی ها کار

کثیف را و یا به قول لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه، کار اصلی (bon boulot) را انجام داده، اینها را به قدرت برسانند.

ترکیه با ارسال اسلحه، تجهیز نظامی داوطلبان جنگ در سوریه و ایجاد سهولت در رفت و آمد جنگجویان خارجی، کمک های مالی و لجستیک و ارائه خدمات پزشکی، داعش را در سوریه تقویت می کرد. «کمال قلیچ داراوغلو» رهبر حزب جمهوری خواه خلق ترکیه، با استناد به اسناد به دست آمده از دفتر دادستانی آدانا و مصاحبه با کامیوندارها اظهار داشته که سلاح های زیادی توسط این کامیون ها از مرز ترکیه به سوریه اعزام شده اند. بازرسانی که کامیون های پر از اسلحه حامل راکت و تفنگ و مهمات را متوقف می کردند، با دخالت مأموران امنیتی ترکیه، مجبور به رها کردن آنها می شدند. به گفته روزنامه جمهوری، مقامات بالای دولتی و شخص اردوخان در تشویق و اعزام نظامیان ترکیه برای الحاق به داعش دخالت مستقیم داشتند. «هاکان فیدان» رئیس سازمان امنیت ترکیه در مرکز توطئه ای قرار داشت که قرار بود از داخل سوریه، بهانه های لازم از آن جمله سازمان دادن حملات کیمیائی و راکتی را برای دخالت ترکیه در سوریه فراهم کند. در قلب استانبول زیر نظارت سازمان امنیت (MIT) و سازمان امور دینی ترکیه، مراکزی برای اقامت، آموزش و جابه جایی جنگجویان داعش برپا شده بود. بیمارستان های ترکیه پذیرای بسیاری از جنگجویان زخمی داعشی تا حد کادرهای بالای آنها از جمله «احمد ال-ح» از معاونان ابوبکر بغدادی، بوده اند. مهر پاسپورت های بسیاری از آنها برای عبور به سوریه توسط مرزداران ترکی زده شده است. مدرسه «عرفان کولجی» بنیادی که اردوخان و داوود اوغلو از پدیدآورندگان آن هستند، مقر و مسکن آنهاست و وب سایت Takver Haber که به زبان ترکی اداره می شود، محل ثبت نام ترک ها برای پیوستن به داعش است. وزیر کشور ترکیه «همر گولر» بنا به نوشته نشریه «رادیکال» اظهار داشت که: «منافع منطقه ئی ما ایجاب می کند که به جنگجویان النصره در جنگ علیه اسد و PYD به آنها کمک کنیم...»

ترکیه از طریق خرید نفت داعش از این سازمان حمایت مالی می کند. نفت عراق و سوریه از طریق کامیون و حتی خطوط لوله غیر قانونی وارد شهرهای مرزی ترکیه می شود.

بعد از سوریه و عراق، یمن عرصه دیگری است که در آن، ترکیه به دخالت در نزاع داخلی آن پرداخته است. حضور سیاسی- نظامی ترکیه در یمن ریشه در زمانهای دور تاریخی دارد و این کشور از دیرباز جزئی از حوزه ستراتیژیک ترکیه محسوب می شده است. امروز نیز بعد از سقوط صنعا به دست شورشیان شیعی (زیدی) مذهب حوثی و شروع جنگ داخلی بین آنها و حکومت طرفدار عربستان از یکسو و نیروهای جهادی و داعشی از سوی دیگر، ترکیه به اتحادیه ای ملحق شده است که توسط عربستان و پاره ای از کشورهای خلیج برای دخالت نظامی در یمن برای دفاع از حکومت صنعا، تشکیل گردیده است. اعزام ۵۰۰ عضو دولت اسلامی (داعش) از سوریه توسط ۴ هواپیمای ترکی و قطری و اماراتی در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۵ و استقرار آنها در شهرهای الباب و مارب در یمن و ایلات جنوبی عربستان، جیزان و عصیر، از آخرین اقدامات دخالت گرایانه ترکیه در این منطقه است. قبل از آن در ۲۷ مارچ، یک گروه از افسران ترک به قطر اعزام شدند و به گروه دیگری که در امارات مستقر بودند، ملحق گردیدند. نظامیان ترک برای حمایت از عملیات «طوفان قاطع» و در همکاری نزدیک با عربستان، مأموریت های اطلاعاتی - آموزشی و تدارکات لجستیک را به عهده دارند. هشدارها و تهدید های پی در پی بین رهبران جمهوری اسلامی و ترکیه، حتی در زمانی که اردوخان به ایران سفر کرده بود، تنش ها و منازعات بین دو کشور را که در سوریه و عراق هم درگیر هستند، بالا برده است.

و سرانجام بن بست؟!

در بازبینی سیاست ترکیه در منطقه خاورمیانه که در بالا آمد، می توان به یک نتیجه آشکار دست یافت. زیگزاگ های پی در پی و تغییر مواضع ۱۸۰ درجه ای که هربار با گام هایی به عقب همراه بوده است. آخرین آن، گردش به راستی است که ترکیه بعد از شکست در ستراتیژی سیاست نو-عثمانی اش در سوار شدن بر موج جنبش «بهار عربی» کرده است. بازگشت به دامن ناتو و امریکا و اسرائیل (۱) در سیاست خارجی و ازسرگیری جنگ و خشونت پولیسی و تعرض به آزادی ها و دموکراسی شکننده و نیم بند در سیاست داخلی.

آ. ک. پ و شخص اردوخان بعد از موفقیت اولیه در صعود به قدرت و ایزوله کردن مهمترین رقبیش، ارتش کمالیست، سیاستی انحصارگرایانه در پیش گرفت. تضاد قدرت در بالا بین دو گرایش اسلامی آ. ک. پ و گولن که روزگاری از یاران نزدیک اردوخان بود، به بیرون راندن همراهان او از قدرت انجامید.

جنبش مذهبی گولن «gülen» نزدیک به گرایش صوفی گری یکی از نخله های طرفدار پان ترکیسم، در ۱۹۷۰ به وسیله فتح الله گولن تأسیس شد و نه تنها در ترکیه، بلکه در بسیاری از کشورها گسترده شده است. در دوران سیاه کودتا، این جنبش هم مانند سایرین، توسط ارتش سرکوب شد و گولن به امریکا مهاجرت کرد. در دوران ریاست تورگوت اوزال، جنبش دوباره رشد کرد. ساختارهای غیر متمرکز و شبکه های مذهبی و هزاران نهاد آموزشی متعلق به جنبش گولن، بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ در خدمت بسط و گسترش نفوذ اردوخان و حکومت اسلام گرای جدید و حزب حاکم قرار گرفت. پایه مشترک فعالیت آ. ک. پ و گولن، اسلام محافظه کار و لیبرالیسم اقتصادی بود. این همکاری نه تنها پایه های اجتماعی قدرت حاکم را تقویت کرد، بلکه به او کمک کرد که ارتش کمالیست و نفوذ آن را کم کند. امری که پس از انجام آن، تصادم قدرت را در میان اسلام گرایان شدت بخشید. طرفداران گولن با نفوذ در پولیس و قوه قضائیه و رسانه های جمعی و ثروت مالی در حدود ۵۰ میلیارد دلار، به قدرتی در درون قدرت بدل شده بودند. روزنامه «زمان» اولین نشریه ترک با تیراژ روزانه یک میلیون، به نشر ایده های این جنبش می پرداخت. افشای فساد مالی عظیمی در دولت اردوخان، به ویژه در میان نزدیکان او، رسوائی زیادی به بار آورد. دادگستری به مثابه ملک شخصی اطرافیان اردوخان درآمده و «ذکریا اوز» که در رأس گروه تحقیقاتی به پرونده های دزدی های اطرافیان اردوخان دست یافته بود، مجبور به فرار به روسیه شد. در این تحقیقات معلوم شد که ۴ وزیر و فرزندانشان و همچنین «بلال» فرزند اردوخان به سرقت اموال دولتی پرداخته و مبالغ هنگفتی در منزلشان مخفی کرده بودند. سرانجام افشای اختلاس یک مدیر بانک دولتی توسط قضات نزدیک به گولن که ۴.۵ میلیون پوند را در جعبه های کفش پنهان کرده بود، زنگ خطری بود که اردوخان را به تلاش نهائی برای سرکوب این جنبش وادار کرد. دولت با اعلام این که «امنیت ملی» در خطر است، هزاران افسر پولیس و دادستان و قاضی را به جرم همکاری با گولن اخراج کرد. در خیلی موارد، جای آنها را اعضای طرفدار حرکت ملی، یک گروه مذهبی- فاشیستی پر کردند. به دنبال آن سرکوب روزنامه نگاران و رسانه های طرفدار گولن آغاز شد. ۲۰ خبرنگار و کارمند رسانه ها بازداشت و روزنامه های وابسته به آنان از جمله روزنامه زمان، دو کانال تلویزیونی بوگون تی وی و کانال ترک با حمله مأموران دولتی بسته شد. «هدایت کاراجا» رئیس شبکه تلویزیون و «اکرم دومانلی» روزنامه نگار و نمایش نویس دستگیر شدند. سازمان گزارشگران بدون مرز نیز رتبه ترکیه در زمینه آزادی مطبوعات را از ۱۴۹ به رتبه ۱۸۰ تنزل داد که تنها فاصله اندکی تا رتبه جمهوری کنگو دارد. ایران در گزارش سال ۲۰۱۵ میلادی این سازمان در رتبه ۱۷۳ قرار دارد.

جنبش پارک گزی:

در روز ۲۷ ماه می ۲۰۱۳ مردم در میدان تقسیم استانبول، برای مقابله با خراب کردن پارک گزی و ساختن یک مرکز تجاری به جای آن، دست به اعتراض زدند. این اعتراض که می رفت مانند سایر تظاهرات محدود میدان تقسیم، تحلیل رود. با برخورد خشن پولیس و سرکوب آن، به اعتراضات وسیع تبدیل شد. طبق آمارهای ارائه شده، ۱۶ در صد مردم استانبول در این تظاهرات شرکت کردند. اعتراضات محیط زیستی با پیوستن گروههای چپ گرا و کارگران، مضمون مطالباتی پیدا کرد.

اعتراض به قانون جدید برای محدود کردن فروش و مصرف مشروبات الکلی، اعتراض به دخالت مأموران به رابطه دخترها و پسرها در متروها و مراکز عمومی، اعتراض به دخالت های حزب AKP در زندگی خصوصی مردم، آزاد شدن و دخالت بیشتر احزاب قانونی مخالف و بالاخره روشن شدن علت انفجار معدن شهر Hatay و کشته شدن ۸۵ معدنچی و مجازات عاملان آن. جنبش هم چنین با طرح دخالت ترکیه در سوریه به نفع داعش و گروههای جهادی و اعتراض به آن، تمامی سیاست های دولت و حزب حاکم را به زیر سوال کشاند. قبل از آن در ۱۸ دسمبر ۲۰۱۲ در بازدید اردو خان نخست وزیر وقت از دانشگاه صنعتی خاورمیانه در آنکارا که فضائی چپ گرا دارد، دانشجویان با شعار « طیب جنگ طلب، امپریالیست، دشمن علم، از دانشگاه برو» از او استقبال کردند که با سرکوب پولیس و تعقیب دانشجویان تا کلاسهای درس آنان روبه رو شد. در این جنبش علاوه بر دانشجویان (ترکیه هم اکنون ۲۰۰ دانشگاه و پیش از ۴ میلیون دانشجو دارد که از سال ۲۰۰۸ افزایش چشمگیری داشته است.) و جوانان و اقشار متوسط شهری، کارگران و نیروها و سازمان های چپ نیز حضور داشتند. (جبهه خلق، حزب کمونیست، حزب کمونیست کارگری، اتحاد کمونیستهای انقلابی و حزب م - ل کمونیست). مانند همه جنبش های مشابه، نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در رساندن آگاهی و سازماندهی تظاهرات اهمیت مهمی داشت. بر طبق نظر سنجی ها ۶۹ درصد شرکت کنندگان از طریق شبکه های اجتماعی به تظاهرات جلب شده اند و ۹۳ در صد معترضان شهروندان عادی بودند و تعداد زنان از مردان بیشتر بود. این جنبش کاتالیزوری برای یک جنبش مقاومت و مخالف گردید و با گفتن «نه» بزرگی به فاشیسم مذهبی در حال شکل گیری، زنگ خطر را برای رژیم اسلام گرای ترکیه به صدا در آورد. (گروه پروسه- سولماز بهرنگ- جون ۲۰۱۳)

ادامه دارد